

کمک بشاگردان ضعیف در درس

میزگرد انجمن اولیا و مربیان ایران

مدیر عامل انجمن پس از ابراز خرسندی از حضور خانمها و آقایان و شرکت در جلسه ، دستور مذاکرات را مطرح کردند ، و با اشاره به مشکلاتی که برای شاگردان عقب افتاده از درس و خانواده ها و معلمین آنان وجود دارد ، خواستار ابراز نظر و طرح رفع این مشکلات از طرف حاضران شدند .

عظیمی گفتند . « خوشبختانه

در این جلسه میزگرد افرادی شرکت جسته اند که هر یک از جهت نیروی فکری و آموزشی دارای قدرت میباشند ، و این کمک میکند که مشکلات را بهتر حل کنیم و به نتیجه برسیم . ما در اینجا از شاگردی صحبت می کنیم که بهره هوشی دارد ، اما انگیزه درس خواندن ندارد . »

مسلم عظیمی رئیس انجمن خانه و مدرسه :

اگر معلمان جدیدت کنند شاگرد ضعیف پیدا نمی شود.

و مدرسه را دارند در باره دستور مذاکرات گفتند . اولانمیایست

خیر - خانم شایسته خزائی

آقایان سید مهدی مدنی - سید

جمال الدین میر فخرائی - مسلم

عظیمی - خانم شاهنواز - خانم

همدم قرآزلو - خانم مدلقا

افسرپور - خانم پرویندخت

پیامی - خانم زربیندخت - مشکور -

خانم هاله افتخاری - خانم

مهری تاخور - آقای سیدجعفر

قدس - آقای محمدجواد احمدزاده

آقایسان دکتر سیروس

عظیمی و دکتر برهان منش

نیز از طرف انجمن ملی اولیاء

و مربیان در این جلسه بحث

شرکت داشتند .

آغاز بحث

در آغاز خانم دکتر آصفه

آصفی رئیس هیأت مدیره و

عصر شنبه ، بیست و چهارم آذرماه ، میزگرد پرنمیری درمحل مرکزی انجمن اولیاء و مربیان ایران تشکیل شد . در این میز - گرد که بریاست خانم دکتر آصفه آصفی ، رئیس هیأت مدیره و مدیر عامل انجمن برگزار گردید ، شخصیت ها و صاحب نظران مشهوری حضور داشتند که نوبدی بود برای به نتیجه دلخواه رسیدن موضوع مورد بحث ، دستور مذاکرات این جلسه « کمک به شاگردان ضعیف و عقب افتاده در درس » بود ، و در این جلسه که بیش از دو ساعت و نیم بطول انجامید چند نفر از حاضران اظهار نظرهای جالب و مفیدی کردند که میتواند راه گشائی برای مربیان و اولیاء دانش آموزان در حل مشکل شاگردانی باشد که از درس کلاس عقب مانده اند .

شرکت کنندگان در این جلسه میزگرد عبارت بودند از :

آقایان : دکتر مجتهدی -

احمد بیرشک - دکتر عرب اف -

مرتضوی برازجانی - خانم عصمت



خود را انجام دهند . زیرا حتی چنانچه پدری لیسانس هم داشته باشد نمیتواند مدت تدریس روز را بداند و بفرزندش تدریس کند .

اما در مورد کمک اولیاء ، به اعتقاد من اولیاء نمیتوانند در درس به فرزندان خود کمک کنند و تنها میتوانند آنها را کنترل کنند که تکالیف درسی

دانش آموز ضعیف وجود داشته باشد . اگر معلمی احساس وظیفه شناسی کند و با دقت از وضع درس و حدود فهم و سطح توجه شاگرد آنگونه که لازم و درخور درك دانش آموز است تدریس کند ، شاگرد دارای چنان پایه‌یی از درس خواهد شد، که عقب نخواهد ماند .

دکتر مجتهدی رئیس دبیرستان البرز و استاد دانشگاه:

دانش آموزان ضعیف را از دانش آموزان قوی باید جدا کرد .

که معلمین خوبی دارد و کمتر با این مشکلات روبرو می‌شویم اما باید دانست کنترل دقیق است که نمیگذارد این مشکلات بوجود آید . دانش آموزان عقب افتاده دو نوع هستند : یکی عقب افتاده از لحاظ مغزی، که این گروه مؤسسات خاصی دارند . دسته دیگر آنها که از لحاظ تعلیماتی عقب هستند . همانطور که گفتیم اگر معلم خوب باشد ، افراد متخصص و روانشناس باشند که دانش آموز را هدایت کنند ، شاگرد از درس

بعقیده من معلم خوب ممکن نیست شاگرد عقب افتاده داشته باشد . با توجه به سرعتی که اجتماع مسا در پیشرفت دارد ، احتیاج مان به معلم خوب نیز بسیار است ، در حالیکه در تربیت معلم به کندی گام برمی‌داریم . متأسفم که بگویم بسیاری افراد روی اجبار یا تصادف رشته معلمی را انتخاب می‌کنند . البته ما معلم خوب داریم ، اما نه به تعداد نیازمان ، خوشبختانه من در مدرسه‌یی کار می‌کنم

ما مشاهده می‌کنیم که ۹۹ درصد دانش آموزان مدارس ملی از جهت پیشرفت در درس بهترند و این بجهت آنستکه چنانچه معلمی در این مدارس نتواند شاگردان را در پایان سال آنگونه که اولیاء مدرسه میخواهند تحویل دهد عذر او را میخواهند . و همچنین در این مدارس با بچه‌های ضعیف بیشتر کار می‌کنند . اگر معلم یا دبیری سرکلاس سرگرم کاموا بافتن و یا مرور درسهای دانشگاهی خود شود ، بی‌تردید شاگرد او چیزی نخواهد آموخت



دیگر وشاگردان ضعیف را هم در کلاس دیگر، پس از مدتی این را هم کافی ندانستم و ساعات درس کلاسهائی را آکه شاگردان آن ضعیف بودند، افزایش دادم. ضمناً برای تشویق دیران هم که در مدرسه ما در پایان سال اهداً دخالتی در امتحانات ندارند این را در نظر گرفتیم که چنانچه ۷۰ درصد شاگردان کلاس‌های ضعیف قبول شوند، پاداش پرداخت شود. البته در مقابل این صحبت که همیشه معلمان میگویند این کلاس ضعیف هاست، با آنها صحبت کرده‌ایم و یادآور شده‌ایم اگر معلم خوبی هستید این عده را باید بدیگران برسانید. بهر حال من از بکار

درس کلاس را پیش از ورود بکلاس میدانند، این عده مشکلی ندارند، جز اینکه چرا معلم با سرعت بیشتری درس نمیدهد و جلو نمی‌رود، بیست سی نفر هم متوسط هستند، زیرا که در سالهای قبل زیاد کار نکرده‌اند. اما هفت هشت نفر وجود دارند که درس را هیچ متوجه نمیشوند. تصمیم گرفتم این عده اخیر را از آنها دیگرم جدا کنم، چون از آغاز سال تا پایان چیزی نخواهند فهمید. ناگزیر کلاس‌ها را در همه رشته‌ها - ادبی - ریاضی و طبیعی طبقه‌بندی کردیم. شاگردان بسیار خوب از جهت درس را در یک کلاس گذاشتیم شاگردان متوسط را در کلاس

عقب نخواهد ماند. ریاضیات آسانترین دروس است، اما بشرطی که تدریس کننده خوب باشد. چنانچه معلمی کار خود را بخوبی انجام دهد و بازم شاگردی از درس عقب بماند، ممکنست علل دیگری مانند ناآرامی خانواده، محیط و چیزهای دیگر داشته باشد. در دیرستانی که من هستم، از این شاگردان عقب مانده در درس بوده‌اند و حالا هم وجود دارند. اما من برای پیشرفت اینگونه شاگردان چندین سال قبل روشی در پیش گرفتم. من متوجه شدم در یک کلاس ۱۰ نفری ده نفر درس را بخوبی درک می‌کنند، پایه‌شان مستحکم است و حتی

بردن این روش نتیجه درخشانی گرفتیم ، و باین ترتیب شاگرد کلاس ضعیف سال بعد بکلاس متوسطها و سال پس از آن بکلاس شاگردان قوی رفت ، در حالیکه این گروه بهمینگونه تا کلاس ششم بالا می آمدند ، من قادر نبودم کمکشان کنم. شاگردانی که از درس عقب میمانند ، البته مشاور روانی لازم دارند که مثلاً چنانچه

مرتضوی برازجانی یک فرهنگی با سابقه :

عقدی در آنها ایجاد شده ، از بین برود . این امر هم از راههای گوناگون میتواند صورت گیرد ، مانند تماس با پدر و مادر گرچه بنظر من بجهه های خوب آنهائی هستند که مادران خوب دارند. مادر بیشتر باید رسیدگی کند ، بشرطی که خودش گرفتاری نداشته باشد . اگر خانواده آرام باشد برای بچه مشکل خانوادگی ایجاد نخواهد شد .

نفر زندگی کنند ، و یا تعداد شاگردان کلاس بعدی باشد که معلم فرصت رسیدگی به درس را نداشته باشد . علت دیگر میتواند عدم مدیریت صحیح مدرسه باشد که شاگرد و معلم را بحال خود رها کنند ، علت دیگر اینست که ممکنست معلم خوب باشد ، شاگرد هم میل بدرس خواندن داشته باشد اما وسایل کار مثل آزمایشگاه نداشته باشند ، نکته دیگر که

باید علل متعدد و مختلف ضعف شاگردان را جستجو کرد .

برای کمک بدانش آموزان ضعیف اول باید بعلم ضعیف آنها پی ببریم . یکی از این علل عدم وجود معلمی است که عاشق کارش باشد ولی من در اینجا چندین علت را یادداشت کرده ام ، در حالیکه میتوان تا . . . علت برای این مشکل مطرح ساخت ، یکی از علل اینست که چون درس های قبل را شاگرد خوب نیاموخته ، دنباله آنرا هم خوب یاد نمیگیرد . یکی دیگر اینست که خانواده ارزش ارشادی ندارد و خواه ناخواه این دانش آموز دانه ایست بین دو سنگ آسیای خانواده و مدرسه که هر کدام خوب نباشد ، آرد بدست نخواهد آمد . دیگر اینکه خانواده فقط این را دانسته که

بچه اش را بمدرسه بفرستد ، اما نه تنها نمی تواند بفروزندش کمک بکند ، بلکه بدآموز هم هست .
 علت دیگر ممکنست این باشد که شاگرد معاشران خوبی نداشته باشد و او را به بازی و تفریح بپرند . همینطور ممکنست وضع مادی شاگرد مختل باشد . همچنین بیعیم نیست محیط مناسب وجود نداشته باشد و مثلاً در یک اتاق هفت ، هشت

کتر به ذهن میآید ، وسایل تفریح است که میبایست در اختیار شاگرد باشد تا خمود و خسته نشود . البته بعضی از شاگردان هم استعداد متوسطی دارند که باید آنها را کمک کرد پس همانطور که در ابتدای بحث گفتم گناهست که در مسائل اجتماعی بدنبال علت واحد بگردیم ، باید بجستجوی علل متعدد برویم و علل را بررسی کنیم و ابتدا رفع مانع کنیم و سپس ایجاد مقتضی .

احمد بیرشک رئیس گروه فرهنگی هدف:

پدران و مادران در مورد شاگردان ضعیف هیچ کاری نباید بکنند

شاگردان ضعیف را می توان به سه گروه تقسیم کرد .
 ۱ - درس نخوان ۲ - ضعیف صحبت شود و حالا در باره شاگردی حرف می زنیم که میخواهد درس بخواند ، اما

به سه گروه تقسیم کرد .
 ۱ - درس نخوان ۲ - ضعیف ۳ - عقب افتاده . عقب افتاده که بحثش جداست . پس میماند

ضعیف است ضعیف بر دو قسم است ضعیف از نظر سابقه و ضعیف از نظر استعداد؛ شاگرد ضعیف بر اثر استعداد علاقه دارد درس بخواند اما کندپیش می‌رود. لیکن ضعیف بر اثر سابقه، آنهایی هستند که در مدرسی درس خوانده‌اند که آنگونه که میبایست تدریس نشده است، مدرسه اول باید شاگرد خود را بشناسد. من در تعلیمات، اعتقاد دارم افراد مختلف با قوه‌های مختلف را نباید با هم در یک کلاس گذاشت، اما متد تفکیک شاگردان کلاس ضعیف و قوی را در محیط‌های کوچک میتوان بکار برد، پس اول باید شاگرد را بشناسیم و ببینیم از چه نوع هستند، اولین نقش را برعهده مدیر میگذاریم. مدیر باید وسایلی فراهم آورد که معلم شاگردش را در این طبقات بشناسد. متأسفانه مدیران ما اغلب مدیر نیستند، ناظم هستند ما یک زمان دانشکده نداشتیم و مدرسه عالی داشتیم حالا هم مدیر نداریم و ناظم عالی داریم پس اول باید مدیر شروع کند... درد را که فهمیدیم بدنال درمان برویم. شاگردان ضعیف و با علاقه را، با برنامه‌های مختلف کمک کنیم. ما باید مغز بچه‌ها را

پرورش دهیم. معلم باید تا حد امکان نواقص شاگرد را رفع کند. بنابراین اول باید پی‌ها را درست کرد، البته این در مورد شاگردان علاقه‌مند نیست که در اثر عدم تدریس صحیح در سال‌های گذشته دچار ضعف شده‌اند. در مورد شاگردانی که نه بر اثر سابقه، بلکه بر اثر استعدادها ضعیف هستند، ما باید این را هم بدانیم که از همه شاگردان نباید در یک حدتوقع داشت معلم باید در حد استعداد شاگرد یاد بدهد و از او بخواهد. چه اشکال دارد که شاگردی با معدل ۱۱ قبول شود نه ۱۹ ما معلم خوب هم داریم. باید به معلم اجازه داد که از نیروی فعال کلاس برای کمک بشاگردانی که علاقه دارند و ضعیف میباشند استفاده کند.

سید مهدی مدنی مدیر دبیرستان ابومسلم:

ما معلم بدکم داریم .

بنظر من تا حد زیادی عامل اصلی، آئینامه امتحانات درسی ماست که دارای نواقصی میباشد با این توقع‌هایی که در ارفاق در نمره دادن هست چه توقعی می‌توان از بچه‌ها داشت که درس بخوانند به شاگردیکه میگویم «چرا درس نمیخوانی؟» میگوید راه کمک باز است. مسأله دیگری که موجب ضعف شاگرد میشود اینست که شاگردانی

اما درباره شاگردان درس نخوان. من در اینباره بحث نمی‌کنم. در دستور مذاکرات این پرسش آمده که پدر و مادر چه باید بکنند؟ به عقیده من هیچ کاری نباید انجام دهد، زیرا هستند پدران و مادرانی که دنبال بچه‌شان راه می‌افتند تا برای او نمره بگیرند. اما در مورد خانواده‌هایی که فهمیم هستند اینهم درست نیست که اولیاء دانش آموز نقص اولیاء مدرسه را رفع کند. پدر و مادر باید فرزند را وادار کنند که وظایفش را انجام دهد، ساعات کار او را تنظیم کنند اگر پدر و مادر ساعات کار فرزندشان را خوب تنظیم کنند و بعداً با اولیاء مدرسه مطرح سازند درست میشود.

که در مدرسه دولتی ۲۰ تومان شهریه میدهد، درس نمیخواند اما همان شاگرد وقتی به مدرسه ملی میرود و ۱۰۰۰ تومان میپردازد درس خوان میشود، زیرا دلش میسوزد که پولش بهدر برود. در مدارس دولتی هم معلم خوب درس میدهد، اما شاگرد توجه نمیکند پس یک قسمت هم گناه متوجه

کمک بشاگردان ضعیف در درس

تنظیم وقت و حذف عوامل مضر باشد و کمتر در زمینه آموزشی، لازمست بچه‌ها را با برانگیختن وسایلی کمک و تشویق به مطالعه و خود یادگیری کنند. اما در زمینه مربیان که نقش اساسی آموزش را بعهده دارند، باید گفت که یک مدیر دروس میتواند از نظر طبقه‌بندی، کمک گرفتن از شاگردان قوی تشکیل انجمن‌ها، گروه‌ها و فراهم ساختن وسایلی برای تقویت شاگردان استفاده کند. متأسفانه ما معلم کم داریم و شاید بتوان گفت اغلب کسانی معلم میشوند که نتوانسته‌اند بدانشگاه وارد شوند. این گروه نمیدانند از دیدگاه بالا چه شغل پرستولیتی را انتخاب کرده‌اند بهر حال برای حل مشکلات شاگردان ضعیف باید به معلمین توجه کنیم، و من فکر میکنم اگر برای این معامین جلسات بحث در زمینه‌های درسی در واحدهای مختلف تشکیل دهیم و معلم وقتی برك استخدام را تمام کرد تصور نکند کار تمام شده است. آنوقت ما معلم خوب و هنرمند خواهیم داشت.

نتیجه

خانم دکتر آصفه آصفی
بقیه در صفحه ۴۷

کلاسهای تقویتی هم نتوانستند پیشرفتی بکنند بمدارس دولتی می‌آیند و آنوقت مدیر آن مدارس را نالایق میدانند. این کلاسهای تقویتی چگونه میتوانند تضمین کنند که مثلاً فلان شاگرد نمره عالی خواهد گرفت؟

شاگرد است، ما معلم بدکم داریم و واقعاً طبقه معلم مثبت انجام میدهد. در حالیکه معلم در وضع دوشخصیتی قرار میگیرد شاگردانی که به بعضی مدارس ملی میروند همه زرنگ هستند، اما شاگردانی که حتی در

خانم تاخور: مشکلات معلمان شایع در حل مشکلات

وظیفه است. یک معلم میبایست حتی نقش ارشاد خانواده‌ها را هم بعهده داشته باشد، ما باید اول به مادرها و پدرها بیاموزیم که چگونه پدر و مادری باشند. مدیریت صحیح هم کاملاً لازمست، اما ما معلمین هم مشکلاتی داریم. اگر مشکلات ما حل نشود، مشکلات بچه‌ها هم حل نخواهد شد.

شاید یک مقدار درسی نخواندن بچه‌ها در کودکی و مقداری هم در دبستان پایه گذاری میشود. متأسفانه کودکانهای ما که پایه گذار تعلیم هستند. نقش «لله‌گی» دارند از طرفی معلمین ما برای معلمی تربیت نشده‌اند. یک معلم دولتی چند درصد بیشتر کار نمی‌کند، اما معلم مدرسه ملی ناگزیر به انجام

دکتر عرب‌اف استاد دانشگاه رئیس گروه فرهنگی خوارزمی:

مربیان در زمینه اولیاء من با نظر جناب آقای بیرشک و دیگران موافقم که باید توجه و راهنمایی کرد که کمک اولیاء بیشتر جنبه تربیتی و

صحبت از کمک به دانش آموزانی است که به عللی غیر از عقب ماندگی هوشی، از درس ضعیف هستند. دو عامل نام برده شده ۱ - اولیاء ۲ -

مشکل معلم بود که جوانان علاقه به شغل معلمی ندارند . دیگر اینکه معلم در مدرسه ملی بیشتر کار میکند و یکی هم گرفتاری های معلم که مقام استادی و معلمی یک زمان بالا و بالا بود و حالا کم شده است قدر و قیمت افراد تحصیل کرده پائین آمده است، و شاگرد هم میگوید چرا مثل معلم بی پول شوم و مانند پولدارها نشوم؟ . از این جهت انگیزه درس خواندن هم ندارد باید معلم را تأمین و تشویق کرد . اگر میخواهیم جامعه بی را بسوی علم سوق دهیم، باید علمای اجتماع را تشویق کنیم .

فعالیت انجمن ملی اولیا و مربیان به عده بی از دبیران آموزش دادیم و گفتیم رابط ما با مدارس باشند . این افراد دفترچه های شناسائی برای شاگردان درست کردند و موقعیت و شرایط آنان را در این دفترچه ها ثبت کردند و ما آنها را به بخش ها فرستادیم و از بخش ها هم خواستیم این گروه را تشویق کنند . آقای دکتر عظیمی نیز در این مورد اظهار داشتند : مادر بحث مان متوجه شدیم گرفتاری هایی که از ضعف شاگرد گفته شد، سراز گرفتاری های معلم و قدرناشناسی های لازم اجتماع از معلم در آورد. یکی

در پایان جلسه پس از تشکر از ارباب نظرها با اشاره به مشکلاتی که بیان شد گفتند : روزی که مادرها تنها سواد ابتدائی داشتند، معلم ها هم عنوان های امروزی را نداشتند، بچه ها با سواد بودند و خانواده ها هم راضی، اما امروز ما میخواهیم همه چیز آماده در اختیار ما مان باشد . ما که خوشبختانه هنوز به کانون خانواده معتقدیم باید از این طریق هم در رفع مشکل ما استفاده کنیم و آن آگاهی مادر از وضع بچه اش در مدرسه است، در گذشته شاید پدر و مادرها بیشتر به فرزندانشان توجه داشتند، ما، در سال اول

بقیه از صفحه قبل **آیا پدر و مادر با سواد در کار تحصیلی**

۳ - با آنکه در قسمت شرح نتایج مطالعه - ارتباط سن با میزان مراقبت اولیا به صورت جداول عرضه شده است لیکن اطلاعات بدست آمده نشان می دهد که اولیا جوانتر از ۳۰ سال مراقبت بیشتری در کار تحصیلی فرزندانشان اعمال می کنند و آنهایی که از ۳۰ سال بیشتر دارند مراقبت کمتر .
 ۴ - نظر اجمالی به توزیع افراد مصاحبه شده به تفکیک سطح درآمد که انتظار می رفت نتیجه قطعی داشته باشد و نشان دهد افرادی که حقوقی بیشتر دریافت می نمایند مراقبت بیشتری اعمال نمایند چنین نتیجه ای را بدست نمی دهد . شاید لازم باشد شاخصی برای رفاه کلی هر خانواده تنظیم شود و بنظر می رسد شاخص رفاه با میزان مراقبت والدین همبستگی مثبت خواهد داشت . لیکن تنظیم این شاخص به ادامه مطالعه موکول شده است .

بایک فکر و دانش روشن با استقبال آن رفت و مشکلات آنرا حل کرد ، بدون شک اگر پدر و مادر با روشن بینی کامل با استقبال دوران بلوغ فرزندان خود بروند ، بهیچوجه با مشکلی روبرو نخواهند شد .

وحشت و ترس داشته باشند بدون شک با اشکالات زیادتری در این دوران مواجه می شوند درست است که دوران بلوغ سال های حساس و شاید خطرناکی است ولی از آن نباید وحشت داشت بلکه باید

بقیه از صفحه ۱۴
دوران بلوغ
 ترتیب آنها قدرت دفاعی بیشتری پیدا خواهند کرد .
اشتباه دهم: ترس از دوران بلوغ- پدر و مادرانی که از دوران بلوغ فرزندان خود